

در پی خروج قطار مسافری بری از ریل در شمال شرق تایوان ۱۷ تن کشته و ۱۲۶ تن دیگر زخمی شدند. به گزارش ایرنا به نقل از رویترز، یک قطار مسافری بری روز یک شنبه در شمال شرق تایوان در حرکت بود که از ریل خارج شد و طی این حادثه ۱۷ تن جان خود را دست دادند. به گزارش رویترز، دولت تایوان اعلام کرده است که تیم نجات در صحنه حادثه حضور یافت و به امداد رسانی پرداخت. بیش از ۳۰ نفر تا بعد از ظهر دیروز در داخل قطار گیر افتاده بودند.

از میان خبر ها

-
-
-

اعتراف یک دزد به ۲۵ فقره سرقت در کرمان

توکلی -سارق داخل خودرو به ۲۵ فقره سرقت در کرمان اعتراف کرد. فرمانده انتظامی شهرستان کرمان در این باره گفت: در پی گزارش وقوع چند فقره سرقت محتویات داخل خودرو در شهر کرمان، مأموران کلانتری ۱۹ با انجام کار اطلاعاتی و ثبت های یک هفتصد، یک متهم را شناسایی و وی را طی عملیات غافلگیرانه‌ای دستگیر کردند.

به گزارش خبر نگار ما، سر هنگ «محمد ضا فداء» افزود: متهم در تحقیقات و بازجویی های صورت گرفته از سوی پلیس به ۲۵ فقره سرقت محتویات داخل خودرو گزارش اعتراف کرد و در ادامه به همراه یک مالخر به مراجع قضایی تحویل شد.

قاتل نامرئی جان ۵ نفر را گرفت

رئیس اورژانس تهران از مرگ خاموش پنج نفر خبر داد. دکتر پیمان صابریان در گفت و گو با ایسنا اظهار کرد: حوالی ساعت ۱۶:۵۴ دیروز یک مورد حادثه گاز گرفتگی به مرگ فوریتهای ۱۱۵ اعلام و در پی آن سه دستگاه آمبولانس به محل حادثه واقع در شهر پردیس اعزام شد.

رئیس اورژانس تهران با اشاره به حضور تکنسین های اورژانس در محل اظهار کرد: پس از حضور عوامل گاز گرفتگی در محل و بررسی علایم حیاتی مشاهده شد که پنج نفر به دلیل استنشاق گاز سمی منواکسید کربن جان خود را از دست داده‌اند. وی با بیان این که اجساد به پزشکی قانونی منتقل شده، افزود: علت قتلگی مرگ و وقوع حادثه از سوی عوامل پزشکی قانونی و کارشناسان ایمنی بررسی و اعلام خواهد شد.

مسائل خانوادگی و انتقام گیری های شخصی، علت قتل هادر جیرفت

توکلی - مسائل خانوادگی و انتقام گیری های شخصی، علت بیشتر قتل ها در جیرفت است.
دانشتان عمومی و انقلاب شهرستان جیرفت از کاهش ۳۶درصدی آمار پرونده های قتل در این شهرستان خبر داد و اظهار کرد: برای کاهش آسیب های اجتماعی در جامعه نیازمند شورای پیشگیری از وقوع جرم این شهرستان با بیان این که علت بیشتر قتل ها در این مناطق مسائل خانوادگی و انتقام گیری های شخصی است، گفت: لازم است خانواده ها و متولیان امر آموزش، به ویژه برای آموزش مهارت های زندگی اقدامات موثرتری داشته باشند. این مقام قضایی افزود: آمار قتل در شش ماه نخست امسال در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته از ۱۱ فقره به ۷ فقره کاهش یافته است. وی، در دسترس بودن سلاح های غیر مجاز در بین مردم و مصرف مشروبات الکلی در بین جوانان را عامل مشترک قتل هایی دانست که در سال ۹۶ در شهرستان جیرفت رخ داده است. وی بر ضرورت تقویت اقدامات فرهنگی و آموزشی در جنوب استان کرمان تاکید و خاطر نشان کرد: دانهجاری های فرهنگی به دلیل کم کاری مسئولان و متولیان امر در چند دهه گذشته است. دادستان جیرفت اضافه کرد : اقدام عینی لازم به پیشگیری از وقوع جرم است و تنها جلسه و سخنرانی کمکی به کاهش آسیب های اجتماعی نمی کند و دستگاه های متولی باید وارد کار شوند.

سقوط دختر ۲۰ ساله از پل هوایی در شهرکرد



مسئول روابط عمومی اورژانس ۱۱۵ چهار محال و بختیاری گفت: دختر ۲۰ ساله ای در شهر کرد خود را از روی پل هوایی پرتاب کرد. «محسن ابراهیمی» در گفت‌وگو با ایسنا، با اعلام این خبر، اظهار کرد: ساعت ۱۳:۴۵ دیروز گزارش مبنی بر پرتاب شدن دختر جوانی از روی پل هوایی مقابل اداره کل فنی و حرفه‌ای استان اعلام شد. وی خاطر نشان کرد: یک دستگاه آمبولانس به سرعت به محل حادثه اعزام شد و تکنسین های اورژانس دختر جوان را که از ناحیه کمر و پا دچار شکستگی شده بود، به بیمارستان آیتا... کاشانی شهر کرد منتقل کردند.

آتش سوزی مرگبار در کارخانه‌ای در روسیه

مقامات اورژانس روسیه از کشته شدن دست کم یک نفر و زخمی شدن سه نفر دیگر در پی وقوع آتش سوزی در کارخانه 'الکتروژنیک' در شهر 'ولادی قفقاز' روسیه خبر دادند. به گزارش ایسنا، در این حادثه که حدود ساعت ۳:۱۶ با مدام دیروز به وقت محلی در کارخانه صنایع غیر فلزی در شهر 'ولادی قفقاز' به وقوع پیوسته است، ۱۸ واحد آتش نشانی و ۵۰ نفر در تلاش برای مهار آتش بوده‌اند. به گفته مقامات روسیه چندین قبیقه پس از گزارش های اولیه، وزارت امور غیر متربقه روسیه از افزایش وسعت این آتش سوزی ۶۵۰ متر مربع خبر داده است. اما پس از مدتی آتش تحت کنترل نیروهای آتش نشان قرار گرفت. به گزارش اسپوتنیک، کارخانه 'الکتروژنیک' یکی از بزرگ ترین تشکیلات صنایع غیر فلزی روسیه است که عناصری چون روی، سرب، کادمیم، ترکیبات آلومینیوم- روی، PPR... تولید می کند.

روانشناسی و مشاوره دکتر ناصح
۷۱۱۱۱۳۹۲
۳۷ – حضوری و تلفنی
۰۹۹۹۰۷۱۷۴۶ – ۳۶۰۶۰۴۶۰

سید خلیل سجادپور -عامل نقشه دستبر دبه ارثیه ۱۰۰ میلیونی که رفیق ۱۵ ساله اش را به طرز فجیعی به قتل رسانده و جسد او را در حاشیه روستای کلاکوب مشهد به آتش کشیده بود در حالی بعد از ۴۸ ساعت تلاش شبانه روزی دستگیر شد که پسر عموی ۱۵ ساله اش نیز در ارتکاب این جنایت هولناک نقش داشت.
به گزارش خراسان، این پرونده جنایی از ظهر پنج شنبه گذشته زمانی روی میز قاضی ویژه قتل عمد گشوده شد که یکی از اهالی روستای کلاکوب با مشاهده جسد سوخته یک مرد در دفرافصل روستای فراگرد کلاکوب، ماجرا را به کلانتری خلق آباد گزارش کرد. ساعتی بعد با حضور قاضی احمدی نژاد و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در محل کشف جسد، تحقیقات در این باره آغاز شد. جسد مرطوب به مر دی حدود ۳۵ تا ۳۷ ساله بود که آثار شال سفید رنگی روی گردنش خودنمایی می کرد. بنابر این گزارش در حالی که هیچ اسناد هویتی همراه مقتول نبود، مشخص شد که مرد مجهول الهویه در مکان دیگری به قتل رسیده است و عامل یا عاملان به آتش کشیده اند. به همین دلیل و با دستور قاضی شعبه جنایت، جسد او را در اطراف جاده منتهی به خین عرب به آتش کشیده اند. به همین دلیل و با دستور قاضی شعبه افتادگرم شده ادامه یافت. بناوجه به اهمیت و حساسیت موضوع، گروه ویژه ای از کارآگاهان زبده اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به سرپرستی سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس دایره قتل عمد) و با نظارت



مستقیم سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) پیگیری این پرونده را به عهده گرفتند و تحقیقات فنی و تخصصی خود را با تجزیه و تحلیل های کارشناسی آغاز کردند. این گونه بود که ردیابی ها برپرسی پرونده های فقدانیه وار درمرحله جدیدی دست. گزارش خراسان حاکی است که خانواده فردی به نام «جواد» روز پنج شنبه طی گزارشی به پلیس آگاهی اعلام کرده اند که «جواد» ۳۷ ساله از روز چهارشنبه و از کارگاه خیاطی خود گم شده و دیگر به منزل مراجعه نکرده است. گزارش خراسان حاکی است که کارآگاهان با مطالعه این گزارش به صراحت دریافتند که جسد سوخته کشف شده درظهر پنج شنبه، مرطوب به مرد خیاط است بنابر این از خانواده وی خواستند تا جسد را در پزشکی قانونی شناسایی کنند. درحالی که با دستور

قاضی احمدی نژاد این امکان فراهم شده بود اما خانواده او فقط توانستند از روی سگک کمر بندوی را شناسایی کنند. بدین ترتیب با شناسایی هویت جسد مشخص شد که از خودروی پراید جواد نیز خبری نیست به همین دلیل جلسه کارشناسی کارآگاهان در نیمه های شب با حضور قاضی ویژه عمد درپلیس آگاهی تشکیل شد و کارآگاهان روند تحقیقات را به گونه دیگری تغییر دادند و به ردیابی خودرو با استفاده از امکانات پلیسی پرداختند چرا که جسد بانزین به آتش کشیده شده بود و احتمال می رفت عامل یا عاملان جنایت، بنزین مورد استفاده را از یکی از جایگاه های سوخت خریده باشند! از سوی دیگر نیز همسر مقتول در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: روز چهارشنبه دو بار با همسرم تلفنی تماس گرفتیم تا او را برای صرف ناهار به منزل مادرم دعوت کنیم ولی او گفت: قرار است «هادی» (یکی از دوستان قدیمی مقتول) بدهی اش را به من بپردازد و دو ادامه داد بعد از دریافت پول، به خانه می آید! ولی وقتی دیر کرد دوباره ساعت ۱۵:۳۰ به با همسرم تماس گرفتیم که این بار گفت: «هادی» به یک واحد آپارتمانی رفته است و من بیرون منتظرم که بیاید ولی نمی دانم آن واحد آپارتمانی در کدام طبقه است!

گزارش خراسان حاکی است، با به دست آمدن این اطلاعات، کارآگاهان اداره جنایی با صدور دستوری از سوی سرهنگ حسین بیات مختاری (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) در چند شاخه اطلاعاتی به ادامه تحقیقات پرداختند تا گروه از آنان یکی از سرنخ های ابرار صرف تماس گرفتند. بنابر گزارش خراسان، درحالی که برپرسی ها به روز بعد کشیده بود مغازه فروشی هادی درکوی امیرمشهد شناسایی شد ولی او در مغازه نبود به همین دلیل کارآگاهان با توسل به شگردهای اطلاعاتی به صورت تلفنی با او در اطراف میدان شهید فهمیده قرار گذاشتند و هنگامی که سوار خودروی کارآگاهان شدند ناگهان خود را در محاصره پلیس دید و ولی خونسردی خود را طوری حفظ کرد که انگار او را به اشتباه گرفته اند. کارآگاهان بلافاصله با کسب مجوز قضایی، منزل او را در منطقه کشف مشهد مورد بازرسی قرار دادند اما هیچ اثری از جرم در خانه او پیدا نشد. هادی در بازجویی های اولیه اظهار کرد: چهارشنبه به خیاطی هادی رفتم و مر آن تصدتری رساند که به منزل برم و دو دیگر خبری از او ندارم!

گزارش خراسان حاکی است، درحالی که هیچ مدرک محکمه پسندی علیه هادی به دست نیامده بود و احتمال آزادی وی با قرار قانونی وجود داشت ناگهان شاخه اطلاعاتی دیگر کارآگاهان با بررسی دوربین های مدار بسته یکی از پمپ بنزین ها به سرنخ هایی رسیدند که نشان می داد خودروی پراید مقتول در اطراف جایگاه سوخت پارک خودروی با کاپشن قهوه ای و مشخصات تقریبی هادی درون آن نشسته است.

با اعلام گزارش این گروه اطلاعاتی از کارآگاهان، بلافاصله با اسناد جدید «هادی» دوباره مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفت درحالی که قتر به های ساعت ۱۲ نیمه شب شبانه نشان می داد، وی با دیدن مدارک انکارناپذیر لب به اعتراف گشود و از این جنایت هولناک را در حضور قاضی احمدی نژاد و سرهنگ بیات مختاری فاش کرد. این مرد ۳۰ ساله طی اظهارات و حشنتاکی

حادثه قطار تایوان ۱۷ کشته و ۱۲۶ زخمی بر جا گذاشت



گفت: من و جواد دوستان قدیمی بودیم به طوری که دوستی و رفاقت ما از مرز ۱۵ سال گذشته بود. در این میان من مبلغ یک میلیون تومان از او قرض گرفته بودم ولی نمی توانستم این بدهی را پرداخت کنم اگر چه «جواد» برای گرفتن پول هیچ وقت مرا تحت فشار نگذاشت اما هر بار هم که ماجرای بدهی را مطرح می کردم من توان پرداخت نداشتم تا این که روزی شنیدم حدود ۱۰۰ میلیون تومان به او ا رت رسیده است. مادر جواد سال های قبل فوت کرده بود و پدرش نیز چند ماه قبل جان سپرد. به همین دلیل مبلغ ارثیه بالای به «جواد» رسید. وقتی من موضوع را فهمیدم و سوسه دستبر دبه این پول هنگفت مرا هانمی کرد. تا این که تصمیم گرفتم با نقشه ای دوستر را به قتل برسانم و پول هایش را به سرقت ببرم. به همین دلیل موضوع را با پسر عموی ۱۵ ساله ام که در میوه فروشی تن زد من کار می کرد در میان گذاشتم و از او خواستم تا با من همکاری کند و مبلغ زیادی هم از این پول را بردارد. او هم بلافاصله پذیرفت و من ابتدا نقشه مسموم کردن جواد را کشیدم روز سه شنبه گذشته مقداری قرص خواب آور از داروخانه خریدم و با تهیه یک جعبه ششربنی خامه ای به کارگاه خیاطی رفتم تا ابتدا او را بپوشانم. کمی سپس به قتل برسانم ولی پیشیمان شد چرا که شراط این کار در خیاطی اصلا قرار هم نبود از سوی دیگر هر رمز کارت بانکی او را نداشتم و نمی توانستم پول هایش را از حساب بیرون بکشم. این بود که نقشه دیگری طرح کردم. روز چهارشنبه دوباره به خیاطی رفتم من از پسر عمویم خواستم تا رمز کارت او را حفظ کند. وارد خیاطی شدیم به جواد گفتم مبلغ یک میلیون بدهی را به حساب بانکی اش واریز کردم او با تعجب گوشه ی تلفنش را بیرون آورد و گفت: نه! اگر واریز شده باشد باید یکم ارسال می شود! ولی من اصرار کردم که حتما بانک اشتباه کرده و سپس از او خواستم از حسابش موجودی بگیرد تا همه چیز مشخص شود. درحالی که جواد شماره رمزش را وارد کارت خوان می کرد پسر عمویم نیز پشت سر او قرار گرفت و شماره رمز را حفظ کرد. وقتی باز هم گفت: پولی به حسابم واریز نشده است بلافاصله قسمت دوم نقشه را اجرا کردم و با ه گفتم دایم این مبلغ را به حساب شما بزرگوار می شود! من منزل آن ها برپرم تا رسید واریز را بدهم! طبق نقشه قرار بود او را به واحد آپارتمانی خواهر پسر عموی ۱۵ ساله ابکشانیم که آن روز خالی بود!؛ به همین دلیل اکبر اوزر تو در به منزل خواهرش فرستادم تا پشت در مخفی شود و مردی با کاپشن قهوه ای و مشخصات فردی جواد ببینداز!

همه چیز طبق نقشه پیش رفت و من و جواد سوار بر پراید او به منطقه خواجه ربیع رفتم. برای آن که از حضور اکبر اوزر مخفی بمانم و ابتدا خودم بالا رفتم و سپس از جواد خواستم بالا بیاید تا سید را ببیند و وقتی وارد اتاق شد ناگهان اکبر شال سفید ا دور گردنش انداخت و دو نفری کشیدیم اما قدرت جواد بیشتر بود به طوری که مرا به طرف میل منبل پرت کرد در این لحظه با لگد زیر دور گردن جواد ببینداز!

همه چیز طبق نقشه پیش رفت و من و جواد سوار بر پراید او به منطقه خواجه ربیع رفتم. برای آن که از حضور اکبر اوزر مخفی بمانم و ابتدا خودم بالا رفتم و سپس از جواد خواستم بالا بیاید تا سید را ببیند و وقتی وارد اتاق شد ناگهان اکبر شال سفید ا دور گردنش انداخت و دو نفری کشیدیم اما قدرت جواد بیشتر بود به طوری که مرا به طرف میل منبل پرت کرد در این لحظه با لگد زیر دور گردن جواد ببینداز!

علت اعضای خانواده به ویژه پدرم با ادامه دوستی من با «مازیار» مخالفت کرد. پدرم دیگر اجازه نداد تا من به باشگاه ورزشی بروم و ارتباط من با مازیار را به شدت محدود کرد؛ موضوع مخالفت خانواده به ویژه پدرم را با مازیار مطرح کردم و از او خواستم مدت بهی سراغمی نیاید تا این که شب حادثه متوجه شدم که مازیار روی صورت پدرم اسید پاشیده و او را با جاقو و پنجه بوکس مجروح کرده است.

مازیار در همان تحقیقات اولیه انگیزه خودش را انتقام گیری اعلام کرد و در خصوص حادثه به کارآگاهان گفت : طی مدتی که من با رامید دوست شده بودم، بیشتر اوقات را با وی سبزی می کردم و همین موضوع باعث شد تا من وابستگی زیادی به رامید پیدا کنم؛ زمانی که اطلاع پیدا کردم پدروی مانع ادامه دوستی من با او شده، تصمیم به انتقام گرفتم اما جرئت این کار نداشتم تا این که شب حادثه به سینما رفتم؛ فیلم ویژه افراد بالای ۱۳ سال بود و صحنه های خشنی داشتم، با دیدن صحنه های قدرت نامایی با سلاح سرد توسط شخصیت نقش اول فیلم جرئت پیدا کردم تا پدر رامید انتقام بگیرم؛ پس از پایان اکران فیلم بلافاصله مقداری اسید و همچنین جاقو و پنجه

به گزارش ایرنا، کارکنان کشتی باری ناز مهر متعلق به سازمان بنادر و کشتیرانی ایران، شامگاه پنج شنبه در مسیر بندر آکاتکو- بندر حوسان و در منطقه مرکزی دریای خزر دچار مسمومیت و به بیمارستانی در باکو منتقل شده بودند. در جریان این حادثه، سه تن از کارکنان این کشتی باری به دلیل مسمومیت شدید جان باختند و هشت تن

« آگهی مناقصه و مزایده»

شرکت مزرم مشهد درنظر دارد تامین بخشی از نیروی انسانی خود را از طریق مناقصه به دو روش پیمانکار نیروی انسانی و خرید خدمت به شرکت دارای صلاحیت واگذار نماید.

دوطلبان می توانند جهت آگاهی از شرایط و دریافت مدارک لازم تا مورخ ۱۳۹۷/۸/۱۹ در دبیرخانه این شرکت واقع در بزرگراه آسیایی، سه راه فردوسی، سمت چپ، بلوار اندیشه، مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۵۴۲۳۰۳۷ تماس حاصل نمایند. **ضمنا این شرکت در نظر دارد اقدام نایعاتی خود را در دو کارخانه مشهد وکرمان به صورت حضوری در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۲۰ در ۹ صبح در شهر مشهد به فروش نرساند.**

۰۹۱۷۱۱۸۶۲۹

حوادث

فراسان روزنامه‌مسج‌ایران — 20 دوشنبه ۱۴۰۷مهر ۱۳۹۷، ۱۲ صفر ۱۴۴۰، شماره ۹۹۹۴

در امتداد تاریکی

-
-
-

قصه هانت

وقتی برای آخرین بار کلمه عشق را در پیامک شوهر خیانتکارم دیدم همه وجودم لرزید چرا که آتشفشان همین کلمه: زندگی مرا با مواد سریی آتشین سوزاند و به خاکستر تبدیل کرد. وقتی واژه عشق را برای اولین بار روی نیمکت پارک از «هانت» شنیدم احساس کردم پرندۀ کوچک خوشبختی برشانه ام نشسته است اما نمی دانستم روزی این واژه زیبا «هر جایی» می شود و آن پرندۀ کوچک بر شانه فرد دیگر خاکستر نشینی مرانظاره گر خواهد بود چرا که... زن ۲۷ ساله درحالی که به آخرین پیامک همسرش خیره شده بود با بیان این که نمی دانم قصه تلخ زندگی ام را چگونه برای دو فرزندم تعریف کنم به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد گفت: ۱۰ سال قبل زمانی که نوجوانی پرشورو نشاط بودم از زوجهایم را به زیبایی طبیعت گره می زدم پارک نشینی با دوستانم تنها تفریح و خوشگذرانی ام بود به طوری که بیشتر اوقات را به گشت و گذار در پارک می پرداختم در یکی از همین روزها هنگامی که با دوستانم روی یکی از نیمکت های پارک در حال لطیفه گفتن و خندیدن بودیم ناگهان نگاهم با نگاه پسر غریبه ای تلاقی کرد که با دوستانش در حال عبور از کنار ما بودند آن لحظه زیبا و جذاب برایم مخالفت توصیف نیست درحالی که اتفاق عجیبی در قلب و روحم رخ داده بود از دوستانم فاصله گرفتم و وقتی «هانت» به کنارم رسید گفت عاشقانه دوست دارم! با این ابراز عشق، گویی دوباره متولد شدم طولی نکشید که با وجود مخالفت خانواده هانت تصمیم به ازدواج گرفتم اگر چه آن ها می خواستند عروشان را به شیوه سنتی انتخاب کنند اما در برابر عشق آتشین ما چاره ای جز تسلیم نداشتند. خلاصه وقتی پا سفره عقد نشستم احساس کردم همه آرزوهایم به رنگ های زیبای پاییز گره خورد اما در نیشابور شغل مناسی برای همسرم پیدا نشد به همین دلیل به مشهد مهاجرت کردم این جا بود که با تولد دو فرزندم زندگی ما رنگ و بوی بهاری گرفت ولی آرام آرام دیگر از آن «دوست داشتن ها» و «عشق ورزیدن ها» خبری نماند گویی این عشق چون آتشفشانی بود که برای مدت کوتاهی فواره دوسپس خاموش شد حدود ۱۰ سال از راه او جام می گذشت که روزی هانت مهمانی ناخوانده ای را به منزل آورد و او را از هم ولایتی هایش معرفی کرد که او نیز با همسر فرزندانش در حاشیه مشهد زندگی می کرد این روز به بعد رفت و آمد خانوادگی ما و خانواده رضان شروع شد درحالی که فرزندانم دو همبازی هم سن و سال خودشان یافته بودند من و هانت نیز دوستان جدیدی پیدا کرده بودیم من و لادن هم خیلی صمیمی شدیم و از این که در این شهر دوستی ما ماند و او داشت خیلی خوشحال بودم این صمیمیت خانوادگی به آن کاهش که بیشتر روزهای تعطیل را کنار یکدیگر می گذرانیم حتی خریدهایمان نیز مشترک شده بود این لبستگی خانوادگی به جایی رسید که دیگر لادن حجابش را نزد همسرم اصلا رعایت نمی کرد من این موضوع را نشانه تجد و دو فرهنگ بالای او می دانستم چند ماه از آن آشپایی و ارتباط با خانواده و رضان نگذشته بود که روزی همسر به منزل آمد و درحالی که او را زمش داخل چندان مسافرتی می گذاشت به من گفت: برای کم ماموریت کاری چند روز به شهرستان می روم! رفتن او همسرش شور و شوق جیبی داشتم اما دلشوره غریبی وجود مرا فرا گرفت به طوری که گویی این سفر بازگشتی ندارد چند روز بعد رضان به منزل آمد و جوابی آدرس سنگان همسرم شد او گفت: هانت و لادن نقشه شومی طرح کرده اند به اتفاق فرزندانم به تهران گریخته اند باور کردنی نبود ولی هانت به تماس هایم پاسخ نمی داد به و پیام دادم و نوشتم فقط بگو چه کوتاهی کردم که مستحق چنین خیانتی بودم. او پاسخ داد تو نقصی نداشتی من آدم کثیفی هستم ولی چاره ای جز رسیدن به عشقم را نداشتم! چقدر واژه «عشق» برایم آشنا بود ۱۰ سال قبل فهمیدم که روزی این واژه هر جایی می شود. به طوری که آتشفشان این عشق زندگی مرا می سوزاند حالاندام قصه هانت را چگونه برای فرزندانم بازگو کنم و...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

پایش زدم و هنگامی که روی زمین افتاد و نفری شال را کشیدیم تا خفه شد. بعد از آن کارت بانکی او را برداشتم و با پسر عمویم از منزل بیرون آمدم تا هم بنزین برای سوزاندن جسد تهیه کنم و هم پول ها را از حساب بانکی برداریم اما وقتی کارت را درون عابر بانک گذاشتم مشخص شد که پسر عمویم دو شماره آخر رمز او را فراموش کرده است هر چه تلاش کردیم نتوانستیم پولی از حساب او برداریم البته بعد فهمیدم که پول ها در حساب همسر جواد بود بعد از این ماجرا به سمت پمپ بنزین رفتم من در اطراف جایگاه سوخت داخل پراید نشستم و پسر عمویم را با ظرف ۴ لیتری به جایگاه سوخت فرستادم وقتی بنزین را آورد دوباره به خانه رفتم و جسد را با آسانسور به صندلی عقب پراید جواد انتقال دادیم. سپس پسر عمویم را در نزدیک منزلشان پیاده کردم و خودم به سوی جاده کلات رفتم و شبانه جسد را در اطراف روستای کلاکوب به آتش کشیدم و از آن جا ریختم تا این که دستگیر شدم. گزارش خراسان حاکی است، در پی اعترافات این جوان ۳۰ ساله، بلافاصله کارآگاهان در کنار قاضی ویژه قتل عمد در حالی که قتر به های ساعت ۲ بعد از ظهر گذشته را نشان می داد موفق شدند اکبر را دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل کنند. این نوجوان ۱۵ ساله نیز آن چه را پسر عموش بازگو کرده بود، پذیرفت و بدین ترتیب این پرونده جنایی در کمتر از ۴۸ ساعت و با تلاش شبانه روزی مقام قضایی و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی درحالی به نتیجه رسید که بررسی های بیشتر در باره زوایای دیگر این جنایت هولناک از سوی سرگرد حمیدفر (افسر پرونده) همچنان با دستورات ویژه قضایی ادامه دارد.

شایان ذکر است، خودروی پراید مقتول نیز در پی اعترافات «هادی» در فاصله حدود ۶۰۰ متری از محل سکونت متهم کشف شد.



بوکس را خریداری کردم و با مراجعه به محل سکونت رامید و خانواده اش در کمین پدر رامید نشستم تا این که از منزل خارج شو و...
بر اساس اعلام مرکز اطلاع رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ، سرهنگ کارآگاه علی و لپبور گودرزی ، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: متهم پرونده برای انجام تحقیقات و تکمیل پرونده ، با قرار قانونی در اختیار اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دارد.

دیگر به بیمارستان منتقل شدند. آکتائو یکی از بنادر کشور قزاقستان و حوسان بندری در حومه باکوپایتخت جمهوری آذربایجان است. به گفته جهانگیرزاده، یک هیئت کارشناسی از ایران برای بررسی علت بروز مسمومیت کارکنان این کشتی به باکو اعزام شده است.

فروش انواع کاپشن با قیمت پارسال
فقط ۹۵ هزار تومان
۰۹۱۷۱۱۸۶۲۹

کت و شلوار ۹۵ تومان فعلا، شلوار ۳۸ تومان فعلا، مانتو ۶۸ تومان فعلا
بلوار پیروزی/روضاشهر/آیین رضوی ۸ و ۱۰، فروشگاه تولیدی بزرگمهر ۹۸۲۷۷۴۳۸۰۹۱۵۴۷۷۹۱۵